

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

مهران زنگنه

۰۲ جون ۲۰۱۹

یک گفتمان مردانه قدرت! آقای زیبا کلام، آیا زن‌کشی مسأله‌ای خصوصی است؟

کارکرد ایدئولوژی‌ها در روابط و مناسبات اجتماعی، یعنی تضمین رابطه نامتقارن قدرت را می‌توان در تعریف آنان از حوزه خصوصی و عمومی و منطق دو ارزشی آن نیز دید. بر اساس این دوگانگی معمولاً حوزه عمومی حوزه سلطه عقل و حوزه خصوصی حوزه سلطه میل-احساس (امر غیر عقلانی) است. بر بستر این تعریف، این یا آن وجه از رابطه نامتقارن جنسیت در جامعه (که در عین حال رابطه نامتقارن قدرت نیز هست) ایضاً به یکی از دو حوزه مذکور یعنی خصوصی و عمومی انتقال می‌یابد و بدین ترتیب رابطه با دخالت (چون امری عمومی است) و عدم دخالت (چون امر خصوصی است) تضمین می‌شود. از نقطه نظر رابطه جنسیت و سلطه در آن اما خصوصی و عمومی حوزه‌های خنثی نیستند. این که چه امری خصوصی و چه عمومی، چه امری سیاسی و کدام امر غیر سیاسی است، رابطه تنگاتنگی با رابطه جنسیت و شکل سلطه در جامعه دارد.

چرا اما این منطق دو ارزشی خنثی نیست؟ چون آنجائی که دو فضا (به خصوص در سطح حقوقی) قرار است از یک دیگر تمیز داده و جدا بشوند، تحقق رابطه قدرت نامتقارن جنسیت بدین ترتیب از مجرای دخالت/عدم دخالت (با عمومی یا خصوصی جلوه دادن آن) تضمین می‌شود. مثال مشهور آن پوشش است. آن که از آزادی پوشش دفاع می‌کند، آن را امر خصوصی تلقی می‌کند، در مقابل آن که از حجاب یا عدم حجاب به شکل اجباری دفاع می‌کند، پوشش را نه امری مربوط به شخص بلکه امری می‌بیند که جامعه باید آن را تنظیم کند. هر دو تا آنجا که در چارچوب گفتمان خصوصی و عمومی استدلال می‌کنند، با عدم دیدن مسأله در چارچوب مسأله سلطه و نفی یا تائید آن، در بند یک ایدئولوژی گرفتار اند.

دخالت با تمسک به عمومی بودن امر و «عدم» دخالت با تمسک به خصوصی بودن (یا توصیه بی طرفی که در واقع در ذات خود دفاع از وضع موجود است) با تشبیه به برهان‌های ایدئولوژیک مثل برهان‌های نخنمای فلسفی در مورد طبیعت انسان (زن و مرد) که هیچ مبنای عینی ندارند و به یک معنا دلخواسته‌اند، برای تضمین رابطه سلطه صورت می‌گیرند. اگر زن و مرد در عالم واقع، در روابط اجتماعی نابرابر باشند، در واقع اعلام خصوصی بودن رابطه و به این ترتیب عدم دخالت نیز همچند دخالت به نفع طرف مسلط در وجوه مختلف این رابطه نابرابر را تضمین می‌کند. بنابراین بسته به مورد نه فقط با دخالت رابطه نابرابر تضمین می‌شود، بلکه با عدم دخالت نیز.

بر بستر توضیح فوق در مورد منطق دو ارزشی خصوصی/عمومی است که باید گفته آقای زیبا کلام و اشاره ایشان به امر خصوصی در مورد زن‌کشی اخیر را مورد بررسی قرار داد. ایشان می‌نویسند: «ای کاش یاد می‌گرفتیم برای حریم شخصی و خصوصی انسان‌ها حتی دشمنان و مخالفین مان حرمت قائل می‌شدیم. اگر در سختی‌ها و به هنگام زمین خوردن‌های شان دستشان را نمی‌گرفتیم، لااقل لگدشان نیز نمی‌کردیم. آنچه برای محمد علی نجفی اتفاق افتاد، ممکن است برای خود ما، نزدیکان، هم‌حزبی‌ها و عزیزانمان هم اتفاق بیفتاد.» در اینجا از بررسی بامزگی استدلال که قتل را با زمین خوردن یکی می‌گیرد، صرف‌نظر می‌شود. فقط اشاره باید کرد، کم مانده است مانند دیگری که اتفاقاً اصلاح طلب نیست، از ما بخواهد «احترام بگذاریم؛ به مردی که معشوق خود را می‌کشد.» و قتل را بدل به امری رمانتیک و قهرمانانه بکنیم و برای آقای نجفی کف بزنیم و هورا بکشیم.

البته ایشان روشن نمی‌کند کدام وجه از اعمال آقای نجفی به حوزه خصوصی تعلق دارند؟ قتل یا کتک زدن همسرش؟ یا هر دوی آنها. مگر چیزی جز قتل و خشونت در خانواده مورد بحث است؟

با قدری دقت دیده می‌شود که آقای زیبا کلام نه فقط پیشنهاد می‌کنند دست آقای نجفی که گویا بر حسب اتفاق زمین خورده است، گرفته شود، به او کمک شود، از جا بلند شود، گویا ایشان مرتکب جنایت نشده است، گویا قتل و خشونت، زن‌کشی و کتک زدن زنان امری خصوصی است. کارکرد ایدئولوژی ایشان را وقتی پای زن به میان می‌یابد و برابری زن و مرد مطرح می‌شود، می‌توان به روشنی دید، اگر توجه بکنیم با انتقال قتل و خشونت، کتک زدن همسر به حوزه خصوصی، بر حسب این ایدئولوژی بلافاصله عدم دخالت در آن به عنوان یک امر اجتماعی نتیجه می‌شود. بدین ترتیب کارکرد منطق دو ارزشی (در چارچوب تقسیم به حوزه خصوصی و عمومی) در رابطه جنسیت روشن می‌شود. آقای زیبا کلام با انتقال اعمال خشونت که یکی از ابزارهای سلطه در رابطه زن و مرد است، با خصوصی تلقی کردن اتفاق، آن را به خود زن و مرد واگذار می‌کند. باید به فوکو در این مورد حق داد که هر گفتمانی را گفتمان قدرت می‌داند. گفتمان خصوصی/عمومی را نیز حداقل در رابطه جنسیت باید گفتمان قدرت جنس مسلط تلقی کرد.

آیا در گفتمان لیبرال/نئولیبرال آقای زیبا کلام زن و حقوق او (در اینجا مقتول) جایی دارند؟ بله، البته اما فقط به عنوان مسأله خصوصی که نباید به اعتبار خصوصی بودن در آن دخالت کرد و مورد تحقیق قرار داد و یا در مورد آن حرف زد، مگر پشت درهای بسته، آن هم نه به عنوان امر اجتماعی، نه نمونه‌ای از خشونت به عنوان امر ساختاری.

آنچه که ایشان ندیده‌اند یا نمی‌خواستند ببینند زن‌کشی است. چرا؟ شاید باید به فمینیست‌ها حق داد، آنجا که جنس را در دیدن/ندیدن جهان در تمامیت آن مؤثر می‌دانند و گفت احتمالاً به علت جهان بینی مردانه‌شان! آنچه اما مسلم است عبارت است از این که ایشان نمی‌دانند یا نمی‌خواهند بدانند که هیچ چیز در یک رابطه سلطه و در اینجا سلطه در رابطه جنسیت خصوصی نیست. آیا ایشان از گزارش‌های ملل متحد (نهاده ظاهراً مورد علاقه ایشان) در مورد پدیده زن‌کشی در سطح جهان خبر ندارند؟ اگر ندارند باید به ایشان گفت که بر اساس گزارش‌های رسمی ملل متحد ۵۰۰۰۰ زن در سال یعنی روزانه ۱۳۷ نفر عمدتاً توسط «شریک» زندگی‌شان کشته می‌شوند.

کاری که آقای نجفی کرده جدید نیست، اما نمونه‌وار است. مهم نیست زن کیست، چه کرده است و چونی شخصیت او محلی از اعراب ندارد، هر که بوده، مقتول بودنش منتفی نمی‌شود. زن، مقتول که قرار است بر اساس الگوی عمومی رابطه جنسیت مسلط در سطح جامعه، در رابطه «همسری» در مقابل آقای نجفی فرو دست باشد، قرارهای اجتماعی نوشته (مندرج در قوانین) و نانوشته (بر حسب فرهنگ، سنن، ایدئولوژی‌های مسلط و گفتمان‌های قدرت رایج) را نادیده گرفته و تن به فرودستی نداده است. در این مورد نیز مثل همه روابط اجتماعی دیگر که فرودستان در کل یا فرد فرودستی به رابطه سلطه در نهایت تن نمی‌دهد، مسأله بایست با اعمال قهر حل می‌شد که شد. دیدن توازی و این‌همانی

بین راه حل نهائی در سطح کلان و این اتفاق در سطح خرد چندان سخت نیست. در هر دو سطح کلان و خرد راه حل نهائی برای تضمین رابطه سلطه چه جنسی، چه اقتصادی و چه سیاسی و ... در جامعه نابرابری یکی است: اعمال قهر! آیا شانس برای خروج و فرار از این الگو وجود دارد؟ خیر، اگر با دیگران «به سمت رؤیاهایت بروی/ ... اگر برده عادات خود شوی/ اگر همیشه از يك راه تکراری بروی/ اگر روزمرگی را تغییر ندهی/ اگر رنگ‌های متفاوت به تن نکنی/ یا اگر با افراد ناشناس صحبت نکنی ...» (نرودا-شاملو، به آرامی آغاز به مردن می‌کنی)، اگر مسأله را اجتماعی نبینی، اگر دست یاری به سوی دیگران دراز نکنی، باید به آرامی در روابط سلطه بمیری یا به ضرب گلوله همچون زن مورد بحث کشته شوی.

برای دیدن گفتار آقای زیبا کلام و دیگری رجوع شود به:

<https://www.jamاران.ir/fa/tiny/news-1196241>

گوشه‌ای از گزارش ملل متحد:

<https://www.npr.org/sections/goatsandsoda/2018/11/30/671872574/u-n-report-50-000-women-a-year-are-killed-by-intimate-partners-family-members?t=1559284327423>